بامعلولین

آشنایی با یک معلول موفق: پیمان صادق نژاد

قهرمان شنا؛ قهرمان پرش از موانع نیمه بینایی

«در خانواده ای فرهنگی در تهران متولد شدم و از همان موقع، به دلیل آب مروارید مادرزادی آنچه از دیدن برایم ماند، تنها چشم راست فاقد بینایی قابل سنجش و چشم چپ فقط یک نمرهٔ بینایی بود. پدر و مادرم بازنشسته در زمینهٔ آموزش و پرورش استثنایی هستند (معلم کودکان نابینا) و با تربیت استعدادهایم مرا به راهی رهنمون کردند که امروز بتوانم در چهار عرصهٔ ورزشی، علمی، فرهنگی و هنری افتخار بیافرینم و چشم بینای جهانیان را به سمت یک ایرانی کم بینا خیره سازم.»

پیمان صادق نژاد، از آن آدم هاست که در هر کاری وارد شود، جزء بهترین ها قرار می گیرد. او قهرمان جهان در رشتهٔ شناست و در واقع، شناگری که نخستین مدال جهانی شنا را در تاریخ ایران به ارمغان آورده است. در هنر هم دستی دارد و نوازنده سازهای کوبه ای است. پیمان تحصیلات دانشگاهی دارد و در رشته کار درمانی (توانبخشی) درس می خواند. همه این کارها را کسی انجام می دهد که نیمه بیناست اما در سال های زندگی اش، هرگز نخواسته که از نیمه بینایی یک نقص و یک مانع بسازد و با وجود همهٔ مشکلاتی که از ابتدای تحصیل داشته، با اراده و پشتکار و باور اینکه می تواند، بر همهٔ دشواری ها غلبه کرده است.

پیمان درس خواندن در مدارس عادی و در کنار دانش آموزان بینا را جرقهٔ آغاز می داند. پدرش که از فواید عادی سازی آگاه بود، پیمان را در مدارس عادی ثبت نام کرد. خط درشت در سال های آغازین مدرسه، به پیمان خیلی کمک کرد که با کمترین مشکل، درس بخواند اما به مرور که خط معلم روی تخته سیاه ریزتر شد، مشکلات پیمان درشت تر شد؛ بخصوص در درس هایی مثل ریاضی. اما او عقب نکشید و تحصیل را رها نکرد. ضبط کردن حرف های معلم و دوباره شنیدن و خواندن، راه حل خوبی برای پیمان بود. او آنقدر جدیت داشت که سال سوم دبیرستان در کنکور ریاضی دانشگاه آزاد شرکت کرد و درس ریاضی را ۶۶ درصد زد. همه معلم ها متحیر شدند که چگونه یک شاگرد نیمه بینا توانسته اینقدر در درس سخت ریاضی موفق باشد! پیمان هر چند علاقه زیادی به رشته معماری داشت اما با رتبه ۲۴۰۰ در رشته کاردرمانی قبول شد که البته به این رشته دانشگاهی هم بسیار علاقه مند بود.

تحصیل در دانشگاه، ادامه مشکلات گذشته پیمان بود. تخته و کتاب های ریز و درس های تشریحی مثل آناوقی و کالبدشناسی و تشریح. کتاب کافی نبود و پیمان باید همهٔ اجزاء را درست و دقیق می دید. چاره ای نبود که باز، حرف های استاد را ضبط کند. یک ماسک مخصوص برای خودش ساخت که وقتی به جسد نزدیک می شود، بوی بد آزارش ندهد. بعد از کلاس، با هماهنگی متصدی سالن، آنجا می ماند، نوار را می گذاشت و از نزدیک جزئیات جسد را بررسی می کرد. او تنها دانشجوی کم بینای علوم پزشکی است که آناتومی را با لامسه و بینایی محدود فراگرفته است.

پیمان در کنار درس و تحصیل، به موسیقی و ورزش هم پرداخت. او در مسابقات دانشگاهی شرکت کرد و مدال های متعددی گرفت. پس از حضور در ترکیب ملی شنای کم بینایان ایران، در مسابقات ۲۰۰۳ کانادا شرکت کرد و در رشته ۸۰۰متر، مدال نقره گرفت که نخستین مدال جهانی در تاریخ ورزش شنای ایران به حساب می آید. نکته مهم این است که پیمان رکورد خوبی از خود بجا گذاشت: ۱۰دقیقه و ۱۶ثانیه. این رکورد با رکورد شناگرهای عادی قابل قیاس و حتی خیلی بهتر از آنهاست.

پیمان وقتی ایران را به مقصد کانادا ترک کرد، جز خانواده اش کسی به بدرقه اش نیامد. در بازگشت هم با وجود آنکه دست پر آمده بود، کسی را در فرودگاه مهرآباد ندید. خبری از استقبال رسمی و مارش و فیلم و دوربین نبود. ولی پیمان در آن لحظه ها چقدر گرفته بود.

پیمان با وجود مشکلات همیشگی، با اراده و پشتکار مثال زدنی، همچنان به فعالیت های خود ادامه می دهد. او با هیجان می گوید عشقم توانبخشی است و دوست دارم در آینده، با قدرت هرچه تمام تر در رشته ام .کاردرمانی .فعالیت کنم. پیمان عضو گروه موسیقی سمان است و به عنوان نماینده ایران در جشنواره جهانی موسیقی وین انتخاب شده است.

پیمان صادق نژاد در هر زمینه، تا رده های بالا پیش رفته است و قصد دارد همچنان این مسیر را ادامه دهد. مسیری که سخت و پرمانع است اما این شناگر باهوش، مثل زبده ترین دونده ها از روی همهٔ موانع یکی پس از دیگری می پرد تا به خط موفقیت برسد...

میشا، خزان ندارد...

از تهران که برمی گشتیم، هیچ فکر نمی کردم هوای آبی سفرمان خیلی ساده و بهمین زودی خاکستری شود. راستش رفتن ما به آن میهمانی ناهار، کاملا اتفاقی بود و درست به همین دلیل، من البته چندان مایل به قبولش نبودم اما چنانچه نمی پذیرفتم هم، شکوه و شکایت و قهر و آشتی خانوادگی پیش می آمد که حوصله اش را نداشتم! خنکای عصر بود که راه افتادیم. هوای آبی مسافرتمان وقتی خاکستری شد که میشا مثل قبل ها، دست به درب ماشین برد، آن را گرفت و ول کرد. برادر خانم که همیشه ی خدا، دل پری از حرف ناشنوی اهل و عیال و فک و فامیل ها دارد، با هر بهانه یی که پیش می آید کلی صغری و کبری می چیند تا دق دلش را سر یکی از آنها دربیاورد و چه ناجور هم! این بار پیله کرد به ما!

میشا، فرزند خوانده ماست. ۲۲ روزه بود که ما به فرزند خواندگی اش پذیرفتیم. در پرونده ی پزشکی اش هیچ آثاری از «عقب ماندگی ذهنی» نیامده بود. مراقبین به ما گفتند: «دختری جنگ زده است. کس و کار ندارد. از سرنوشت پدر و مادرش هم کسی با خبر نیست به احتمال زیاد، والدینش در بمباران هوایی دشمن، شهید شده اند.»

از زردی رنگ چهره اش، نگران بودیم. پیش چند متخصص که بردیم اطمینان دادند: «چیز مهمی نیست، اندکی کم خونی دارد، رفته رفته تقویت شده و خوب می شود.» بعدها فهمیدیم اندازه ی دور سرش معمولی نیست و میشای ما «عقب مانده ی ذهنی» است. رضا به قضای حق داده و تسلیم خواست تقدیر شدیم تا اکنون که میشا ۲۲ سال دارد.

وقتی حاجی در واکنش به رفتار میشا، بی ملاحظه گفت: «شما بیخود عمرتان را تلف می کنید و کردید! بجای میشا که یک طفل عقب مانده ی ذهنی است و خودتان هم بهتر می دانید خوب نشدنی است، اینهمه سال که زحمت کشیدید می توانستید و قابلیتش را هم داشتید دکتری، مهندسی تربیت کرده و تحویل اجتماع بدهید» بغض حمیده ناگهان ترکید و من را که در رویداد این وضعیت خاکستری مطلقا دخالتی نداشتم، مخاطب قرار داد وگفت: «خوب شد این راز سر به مهر، سرانجام فاش شد. خواست خدا بود. در این بیست و اندی سال، از بس که بغض و غصه فروخورده ام، دل افسرده شده ام. سعی کرده بودم همیشه غم و غصه ی نهفته در قلب خویش را بروز ندهم. البته غیر از خدا هیچکس هم تابحال از آنچه بر تن و جان من گذشته است، خبر ندارد.

آقای اهری، چشم ها و گوش هایت را خوب باز کن، همه ی این بلاها را تو سر من آورده ای. چنانچه تا اکنون چیزی به تو نگفته ام، حرمت شما را نگاه داشته ام.

از این پس نصف بیشتر هر آنچه کسب می کنی یا بدست می آوری مال ماست. حق نداری بما بگویی بالای چشم تان ابروست. من بعد سر ما هم داد نمیزنی! اخلاق و رفتارت از روزی که بازنشسته شده ای، بسیار فرق کرده است. راستش میشا از فردای روزی که تو باز نشسته شده ای، خیلی سر بهوا و عاصی شده. همه ی این تقصیرها متوجه توست. چرا که اگر من برادری داشتم از همان سال های اول ازدواجم دست کم دو یا سه سال یکبار، حالی از من می پرسید تا غم تنهایی و غربت، خوردی دل و دماغم نباشد!»

حاجی که هیچ تصور نمی کرد وضعیت قرمز شود، رو به خواهرش کرد و گفت: «باور کن آقای اهری، چیزی به من نگفته است. ما هرگز قبلاً در این خصوص صحبتی نداشته ایم. نه اینک خیال کنی من به تحریک او، از کندذهنی میشا، سر سخن باز کردم. فقط و فقط عقیده ی خویش گفتم. در ضمن هیچ هم گمان نمی بردم وابستگی تو به میشا، اینهمه عمیق و ریشه در ژرفای روحت داشته باشد!»

مرا می گویی چنان شوکه شده بودم که نگو و نپرس. هرچه سعی کردم آزردگی دلم را بروز ندهم، نتوانستم. قلبم به شدت می زد. فشار خونم بالا آمده بود. چشم هایم کبود شدند، کم مانده بود از حدقه بیرون بزنند. یک آن فکر کردم بار ظلم بر دوش می کشم. ازخودم ماءیوس شدم. از اینکه اجرمان ماءجور نشده بود هیچ ابایی نداشتم. تنها ناراحتی ام از عصبیتی بود که راه به جایی نداشت و این پرسش بی جواب که:

«مگر انسانها برای بزرگ کردن و نگهداری یک کودک معلول ذهنی فرزند خوانده، زحمتی کمتر از بزرگ کردن و تحویل اجتماع دادن یک فرد تحصیل کرده مثلا دکتر یا مهندس، متحمل می شوند؟!»

ندایی که از ته دل به من می گوید: «حتی اگر بزرگ کردن یک کودک معلول ذهنی فرزند خوانده با هزاران هزار سرکوفت و شماتت و انبوهی از سرزنش ها و ملامت همراه باشد، هیچ باری هم از دوش اجتماع برندارد، کمترین حسن آن، ارزش دادن به جنبه ی معنوی انسانیت و به اکمال رساندن احساس عاطفه ی بشری می باشد که بی شک عطیه ی آسمانی است. از این رو میشا که گل همیشه بهار زندگی شماست، هرگز پاییزانی نخواهد داشت».

میشا = مخفف همیشا، گل همیشه بهار

○باقر رشادتی
.شهر جدید اندیشه

ترحم؛ تعامل شتابزده با معلول

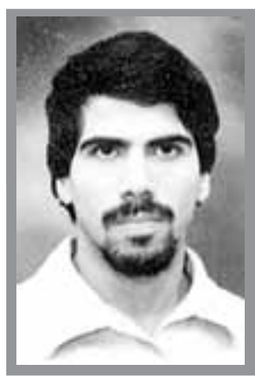

■ سیدمحسن حسینی طه

هفته گذشته از دوست عزیزی که مقالات را در روزنامه اطلاعات پی گیری می کند و گاه راهنمایی های گران سنگ خود را سرمایه کارگاه تفکرم می سازد، نامه ای دریافت کردم. ایشان در این نامه ارزشمند به نکته قابل توجهی اشاره کرده بود .مبنی بر لزوم کار جدی برای تغییر فرهنگ عام مردم در نگرش به معلول و معلولیت، و معتقد بود که باید این فرهنگ را از «ترحم محوری» به سوی «احترام محوری» سوق داد. از آنجایی که بارقه این تفکر در ذهن اینجانب نیز زده شده بود، مناسب دیدم ضمن پاسخی به این نامه، به بحث در مورد مسأله مطرح شده بپردازم.

سرور بزرگوارم

از ترحم گفتی و از احترام. از دو واژه هم خانواده، اما بیگانه با یکدیگر؛ که من همانقدر از فراوانی اولی در برخورد با معلول ومعلولیت در رنجم که از فقدان دومی. آنقدر که گاهی دلم می خواهد تمام فرصت، انرژی و توان خود را صرف کنم تا بتوانم تنها معنای همین دو واژه را به جامعه خود بفهمانم. و کراهت این و زیبایی آن را بر همگان نمایان سازم و ملامت عاقلان را برخود خواهم خرید، اگر به سرزنشم به خاطر چاپ فرهنگ لغتی تنها با همین دو واژه برخیزند؛ زیرا معتقدم گام اول در هر انقلاب، اصلاح و تحولی، اصلاح واژگان و تعلیم صحیح معنی واقعی آنها به افراد است. و اگر این مهم سرلوحه کار هر انقلابی و اصلاح گری نباشد، تمام تلاش ها و مجاهدت هایش بیهوده خواهد بود و تنها عمر و زندگی خود را تلف کرده است. و من نیز به عنوان یک اصلاح طلب فرهنگی، اگر می نویسم، اگر تحصیل می کنم، اگر با رانندگان و مسافران تاکسی، بر سرهویت خود بحث می کنم، و اگر روز و شب با جامعه پیرامون خود کلنجار می روم، تنها به خاطر همین است که شاید بتوانم تعاریف کهنه و سنتی را از واژگان مردم جامعه ام بگیرم و به آنها تعاریف نو، امروزی و منطقی ببخشم. واژگانی چون معلول، معلولیت، احترام، ترحم، کمک، خیرخواهی، ثواب و...

آری چاره ای جز درگیر کردن خود با مردم و سعی در اصلاح واژگان و در کلامی صریح تر اصلاح باور یکایک آنها نیست. آنها باید بدانند که معلولیت چیست و معلول کیست؟ معلولیت نه یک طاعون پیچیده و مبهم، بلکه نتیجه ی انحراف خواسته و ناخواسته در مسیر علل و عوامل اجتماعی ومحیطی است. و معلول نه یک انسان مفلوک و مقهور و در خور ترحم، بلکه انسانی است با ضعف ها و نواقصی آشکارتر از سایرین که همه انسانها به نوعی درگیر ضعف و نقص اند. اگر اینگونه نبود، هیچگاه نمی توانستیم کمال را صفتی از صفت های الهی بدانیم. و انسان، انسان است چون ناقص آفریده می شود. اما دو واژه ترحم و احترام که گاه مرز بین آنها به باریکی یک تار مو می شود. «ترحم» به معنای «رحم کردن» است و رحم کسی را سزاست که به ضعف و زبونی دچار باشد. و «احترام» نیکو دانستن و بزرگ داشتن افراد به واسطه ویژگی های خاص آنهاست. درد این است که دیدن ضعف افراد، گاه ما را حیران می کند و سردرگم که واکنش عاقلانه و منطقی در برابر این ویژگی خاص چیست؟ اینجاست که به جای احترام و تکریم معلول به واسطه کمبودها و نقص هایش و یاری رساندن به او در جهت رفع محدودیت هایش، او را از همه لحاظ ضعیف می پنداریم و ترحم به او را روا می دانیم. و متاءسفانه جواز این عمل نابخردانه را فرهنگ دینی و مذهبی خود عنوان می کنیم. و با دیدن یک معلول آب دهان مان برای مزه مزه کردن میوه های بهشتی راه می افتد و می خواهیم با تعاملی نه چندان خردمندانه، رضای خداوند را ارزانی خود داریم. غافل از آنکه گاه نه تنها موجب خشنودی او نشده ایم، بلکه خشم اش را برای خود خریده ایم. زیرا ما گاهی در برخورد با یک معلول، کرامت انسانی او را خدشه دار می کنیم. دوست بزرگوارم. می بینی که مثل همیشه، توسعه نیافته عمل می کنیم. هنوز حضور معنای صحیح واژگان را به درستی درنیافته ایم، چه رسد به آنکه بخواهیم آنها را به موقع و در سر جای خود به کار بریم. و من به عنوان یک معلول جسمی .حرکتی که رنج تعامل با این جامعه را بر محنت خانه نشینی و عزلت ترجیح داده ام، روزانه شاهد مواردی هستم که طی آن، احترام به معلولین لگدمال ترحم های نسنجیده مردم می شود. خوب که می اندیشم، می بینم مشکل اصلی در سرعت پاسخگویی ها در تعاملات اجتماعی است. و نمی دانیم که سرعت در اینگونه موارد، موجب می شود مجال تحلیل درست وضعیت موجود را از دست بدهیم.

در حقیقت تعامل شتابزده با یک معلول، حاصلی بر ترحم و تعامل توأم با حوصله و تفکر با او نتیجه ای غیر از احترام ندارد.

با این همه راه بسیاری در پیش است؛ راهی که گام اول آن را خودما معلولین باید برداریم و آن شناساندن واقعی خود به جامعه است. جامعه باید بداند که یک معلول در درجه اول یک انسان است. یک انسان و یک شهروند مانند همه شهروندان، با همه خواسته ها و نیازهایی که هر شهروند امروزی دیگری به آن محتاج است. نیازهای اجتماعی، رفاهی و.. که این نیازها تنها در یک جامعه معلول باور، برآورده خواهد شد. جامعه معلول باور می پذیرد که شهروندی به نام معلول دارد و این معلول باید به تمام حقوق شهروندی خود برسد.

آگهی انحلال شرکت پرشیان شیمی سهامی خاص ثبت شده به شماره ۸۰۳۷۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۸۴/۳/۲۹ شرکت مذکور منحل اعلام و آقای احمد کیانی مقدم خارج از سهامداران به سمت مدیر تصفیه انتخاب و نشانی محل تصفیه تهران - خ شیخ بهایی - ساختمان صدف - ط ۱۰- شماره ۱۰۳ می باشد. آقایان مصطفی نجاتی - فرهاد پزشکی شوشی - محمدرضا ادبایی به سمت ناظران تصفیه انتخاب گردیدند.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری ۳۲/۲۷۷۱۸

آگهی تصمیمات شرکت نهاده های دامی جاهد سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۲۵۹۹۱

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۸۴/۲/۲۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۸۴/۳/۲۴ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۸۳/۱۰/۳۰ به تصویب رسید. سازمان حسابرسی به سمت بازرس قانونی برای مدت یک سال انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهیهای شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/۲۴۱۹۹

آگهی تصمیمات شرکت لاستیک خوزستان سهامی خاص ثبت شده به شماره ۸۴۸۴۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۸۴/۲/۳۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۸۴/۳/۴ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۸۳/۲/۳۰ به تصویب رسید. سازمان حسابرسی به سمت حسابرس و بازرس قانونی برای مدت یک سال انتخاب گردید . روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهیهای شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/۲۴۱۰۹

آگهی تصمیمات شرکت مهندسی تجهیزات صنعت آب و برق ایران سهامی خاص ثبت شده به شماره ۸۹۴۸۱

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۸۴/۴/۲۸ شرکت مزبور که در تاریخ ۸۴/۴/۲۹ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۸۳ به تصویب رسید. شرکت ایران مشهود به سمت بازرس اصلی و گلچین پور به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهیهای شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/۲۴۹۹۷

آگهی تصمیمات شرکت پیشروان بهداشت پارس سهامی خاص ثبت شده به شماره ۲۱۴۵۹۵

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده مورخ ۸۳/۸/۳۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۸۴/۴/۲۲ واصل گردید. موسسه حسابرسی آگاهان مشار به سمت بازرس اصلی و عبدالرسول دری اصفهانی به سمت بازرس علی البدل تا پایان سال مالی در جریان شرکت (۳۱دسامبر ۲۰۰۴) انتخاب گردیدند.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/۲۴۸۲۹

آگهی تصمیمات شرکت ایران بات سهامی خاص ثبت شده به شماره ۴۵۱۲۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۸۴/۴/۱۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۸۴/۴/۲۵ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۸۳ به تصویب رسید. خانم بیتا ابوطالب مراغه به سمت بازرس اصلی و خانم ملیحه باینددریها به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهیهای شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/۲۴۱۲۵

آگهی تغییر محل شرکت سیمان داراب سهامی عام ثبت شده به شماره ۶۸۵۱۳

به استناد صورتجلسه هیات مدیره مورخ ۸۴/۵/۸ محل شرکت به تهران خ میرداماد - بین خ نفت شمالی و مدرس - جنب خ نیل - پ ۲۴۷ منتقل شد و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح شد.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/۲۸۵۹۰

آگهی تصمیمات شرکت شاهین ارتباط تهران سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۵۳۵۰۶

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۸۴/۴/۲۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۸۴/۵/۵ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۸۳ به تصویب رسید. آقای داود صبا منیری به سمت بازرس اصلی و آقای عباس آقامحمدی به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهیهای شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری ۳۲/۲۷۵۸۲

جناب آقای دکتر علی اکبر عرب مازار

انتصاب شایسته و بجای جنابعالی را به سمت ریاست کل سازمان امور مالیاتی کشور صمیمانه تبریک عرض نموده، موفقیت مضاعف حضرتعالی را از خداوند منان خواستارم.

کیوان موهبتی
کارشناس ارشد مالیاتی شهرستان بابل

آگهی خرید

شرکت خدمات صنعتی تراکتورسازی ایران درنظر دارد یک دستگاه ماشین پرس ۴۵۰ - ۵۰۰ تنی با سیستم محرک الکتروهیدرولیک دروازه ای با ابعاد میز حداقل ۱۳۰۰×۲۳۰۰ میلیمتر و با حداقل کورس سیلندر ۸۰۰ میلیمتر و یک دستگاه لیفتراک ۱۵ - ۱۰ تنی با ارتفاع بالابری ٤ متر تهیه نماید. لذا فروشندگان این دستگاهها می توانند تا یک هفته از این تاریخ به آدرس: تبریز - مجتمع تراکتورسازی شرکت خدمات صنعتی مراجعه و یا با تلفن ٤٢٤٥٨٦١ - ٠٤١١ و فاکس ٤٢٤٦٠٢١ تماس حاصل نموده و مشخصات فنی و قیمت کالای خود را اعلام نمایند.

امور تدارکات

آگهی تصمیمات شرکت مدیریت طرحهای صنعتی ایران سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۴۶۲۵

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۸۴/۴/۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۸۴/۴/۲۵ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۸۳ به تصویب رسید. سازمان حسابرسی به سمت بازرس قانونی برای مدت یک سال انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/۲۴۱۸۳

آگهی تصمیمات شرکت تهان سافیکو سهامی خاص ثبت شده به شماره ۱۹۴۸۸

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۸۴/۴/۱۵ شرکت مزبور که در تاریخ ۸۴/۴/۲۲ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۸۳ به تصویب رسید. آقای علی اکبر سهیلی یگانه به سمت بازرس اصلی و آقای محمدعلی ملک پور به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهیهای شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/۲۴۸۳۰

آگهی تغییر محل شرکت مه پروتئین سهامی خاص ثبت شده به شماره ۸۸۵۳۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۸۳/۱۱/۱۷ محل شرکت به تهران - یوسف آباد - خیابان شهید اکبری (مستوفی) - نبش شهید قنبری - پلاک ۳۲ منتقل گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/۲۴۸۲۰

آگهی تغییر محل شرکت ساختمانی روژان بنا سهامی خاص ثبت شده به شماره ۲۰۹۰۵۳

باستناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۸۴/۴/۲۵ محل شرکت به تهران - خ یخچال - خ وارسته - خ ٥ - پ ۲۰ - ط اول منتقل گردید.

اداره ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری ۳۲/ ۲۸۰۳۶

آگهی مناقصه

اتحادیه شرکتهای تعاونی روستایی شهرستان مینودشت درنظر دارد به استناد مجوز شماره ۳۲٤٤٥ / ۱٢٤ مورخ ۸٤/٤/٤ اجرای پروژه احداث یک واحد ایستگاه کلزا خشک کنی را در حوزه عمل شهرستان مینودشت (روستای بنقاق) با مشخصات فنی ذیل به مناقصه گذارد.
۱ - احداث برج خشک کن مدل ستونی به ظرفیت ٥٠٠ تن در ٢٤ ساعت از جنس آلومینیوم یا ورق آهن ۳ میلیمتر به تعداد ۲ دستگاه.
۲ - مشعل خطی و دارای سوخت دوگانه سوز (گازوگازوئیل)
۳ - تعیین نوع الکترو موتورهای پیشنهادی با ذکر محل ساخت.
٤ - سیلوهای تر به تعداد دو دستگاه با ظرفیت ٤٠٠ تن از جنس ورق گالوانیزه و دارای سیستم کنترل هوا و مپرکولاسیون.
٥ - تعیین فاصله محل نصب خشک کن با انبار مواد اولیه.
لذا از کلیه پیمانکاران واجد شرایط دعوت می گردد مدارک مستند صلاحیت فنی خود را جهت احداث ایستگاه خشک کن کلزا از مراجع ذیصلاح اخذ نموده به همراه نمونه هایی از کارهای انجام شده جهت دانه های روغنی حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی پیشنهادهای خود را در پاکت دربسته و ممهور به مهر شرکت به صورت حضوری به دفتر معاونت فنی و اجرایی سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران واقع در تهران - خیابان ولی عصر - روبروی سینما آفریقا - سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، تحویل و رسید دریافت دارند. ضمنا هزینه آگهی از برنده مناقصه دریافت می گردد. و اتحادیه در رد یا قبول کلیه پیشنهادها مختار خواهد بود.

اتحادیه تعاون روستایی شهرستان مینودشت

بسمه تعالی

آگهی مناقصه

شهرداری مبارکه در نظر دارد نسبت به خرید اقلام ذیل اقدام نماید. کلیه نمایندگی های فروش می توانند جهت دریافت شرایط تا تاریخ ۸٤/۸/۱٥ به امور قراردادهای شهرداری مراجعه و یا با شماره تلفنهای ۳-۵۲۲۲۰۲۱-۰۳۳۵ و فاکس شماره ۵۲۲۳۰۵۵-۰۳۳۵ تماس حاصل نمایند.
الف: دوربین نقشه برداری
۱- ترازیاب الکترونیکی تریمبل مدل Dini 22 با کلیه متعلقات جانبی
۲- توتال استیشن الکترونیکی دیجیتال مدل 3605 DR با کلیه متعلقات جانبی
ب: درب جهت آشیانه آتش نشانی
۱- درب اتوماتیک مجهز به سیستم کنترل سرعت و چشم الکترونیکی و سیستم دستی به ابعاد ٤×٤m و ۳×٤m از نوع یک جداره (پنج عدد)
ج: ماشین خط کشی (خود کششی چند منظوره)
۱- یک دستگاه ماشین خط کشی مدل طوفان ۸۰
د: برج تلسکوپی ۳۰ متری با سبد متحرک و پوشش گالوانیزه گرم و پروژکتور ۲×٤۰۰ وات بخار سدیم با لامپ اسرام شامل: تابلو برق و کنترل، الکتروموتور و گیربکس و بکینگ کامل برج و مکانیکال و الکتریکال یک دستگاه

شهرداری مبارکه

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت مهندسی فن گستر پلی اکریل (سهامی خاص)

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت مهندسی فن گستر پلی اکریل دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۸٤/۸/۲۲ در محل دفتر شرکت واقع در اصفهان - میدان آزادی - ابتدای خیابان دانشگاه - کوچه فرهاد - پلاک ۷ برگزار می شود، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره، بازرس و حسابرس شرکت.
۲- اتخاذ تصمیم نسبت به صورتهای ترازنامه و سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۸٤/٦/۳۱ و تصویب آن.
۳- انتخاب بازرس و حسابرس شرکت.
٤- انتخاب اعضاء هیئت مدیره.
٥- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت.
٦- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

هیئت مدیره شرکت مهندسی فن گستر پلی اکریل

اخطاریه

بدینوسیله به استناد ماده ۷۳ ق.آ.د مدنی آقای جمال فتحی نژاد فرزند نوری به شرح پرونده کلاسه ۶۰۷/۸۴/۳ عمومی مجهول الامکان می باشد ابلاغ می شود که در مورخه ۸٤/۹/۱۲ ساعت ۸/۳۰ صبح در خصوص دعوی حسن فتحی نژاد به طرفیت شما به خواسته تنفیذ قولنامه عادی در شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی سراب حاضر در غیراین صورت پس از انقضای وقت رسیدگی حکم مقتضی صادر خواهد شد.

جانشین مدیر دفتر شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی سراب - حسینی

بسمه تعالی

آگهی انحلال شعبه شرکت تولیدی طلوع نور (سهامی خاص) به شماره ثبت ۶۱۱۱

به موجب صورتجلسه هیات مدیره مورخ ۸٤/۷/۲۰ شعبه شرکت فوق درتهران منحل گردید.

مسئول ثبت شرکتهای ثبت شیراز

بسمه تعالی

آگـــهی مناقـــصه

سازمان پارکها و فضای سبز شهر

با توجه به اینکه شهرداری سیرجان در نظر دارد لایه روبی جویهای خیابانها و بلوارهای سطح شهر را از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید بنابراین از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت به عمل می آید که از تاریخ نشر آگهی همه روزه به جز ایام تعطیل از تاریخ ۸٤/۷/۳۰ لغایت ۸٤/۸/۲۳ به امور قراردادهای سازمان جهت خرید و تحویل اسناد مناقصه مراجعه نمایند.

شرایط شرکت در مناقصه:
۱- سپرده شرکت در مناقصه پنج درصد مبلغ پایه می باشد که در صورت تمایل به شرکت در مناقصه می بایستی به صورت ضمانت وجه نقد یا ضمانت نامه معتبر بانکی به حساب سازمان جاری ۹۰۰۱٤ نزد بانک ملی شهرداری واریز گردد.
۲- سازمان در رد یا قبول هریک از پیشنهادها مختار است.
۳- هزینه نشر آگهی برعهده برنده مناقصه خواهد بود.
٤- هرگاه برندگان اول تا سوم حاضر به انعقاد قرارداد نگردد، سپرده آنها به ترتیب به نفع سازمان ضبط خواهد شد.
٥- به پیشنهادهای مشروط، ناقص و خارج از مهلت ترتیب اثر داده نخواهد شد.

محمد اسماعیلی
مدیرعامل سازمان پارکها و فضای سبز

رونوشت آگهی حصر وراثت

دادگستری جمهوری اسلامی ایران

آقای اشرف صادقلو کیوی دارای شناسنامه شماره ۱۳ به شرح متن دادخواست به کلاسه ٤۳۱-۸٤/۱ عمومی از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان احدالله صادقلو کیوی به شناسنامه شماره ٦۹ در تاریخ ۸٤/٦/٦ دراقامتگاه دایمی خود را بدرود زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به:
۱- اصغر شهرت صادقلو فرزند احدالله ش.ش ۷۱ ت.ت ۱۳٦٤ نسبت پسر
۲- ولی الله شهرت صادقلو فرزند احدالله ش.ش ۱۳٥٦ ت.ت ۱۳٦۷ نسبت پسر
۳- اکبر شهرت صادقلوکیوی فرزند احدالله ش.ش ٤٤ ت.ت ۱۳٦۱ نسبت پسر
٤- محمود شهرت صادقلوکیوی فرزند احدالله ش.ش ٥۳۷ ت.ت ۱۳٥٥ نسبت پسر
٥- مطلب شهرت صادقلوکیوی فرزند احدالله ش.ش ۳٤٥۲ ت.ت ۱۳٤٦ نسبت پسر
٦- ارشد شهرت صادقلوکیوی فرزند احدالله ش.ش ۹٦ ت.ت ۱۳٤٤ نسبت پسر
۷- اشرف شهرت صادقلوکیوی فرزند احدالله ش.ش ۱۳ ت.ت ۱۳٤٥ نسبت پسر
۸- مینا شهرت صادقلوکیوی فرزند احدالله ش.ش ۱-۹۸۰٦-۰۰۱٦۳ ت.ت ۱۳٦۹ نسبت دختر
۹- فاطمه شهرت صادقلوکیوی فرزند احدالله ش.ش ۳۲۳ ت.ت ۱۳٦۰ نسبت دختر
۱۰- مریم شهرت صادقلوکیوی فرزند احدالله ش.ش ۸ ت.ت ۱۳٥٤ نسبت دختر
۱۱- گلدوز شهرت صادقلو فرزند احدالله ش.ش ۳٦٤٤ ت.ت ۱۳٥۰ نسبت دختر
۱۲- تاجسر شهرت واحدپناه کیوی فرزند عزیزالله ش.ش ٦۹ ت.ت ۱۳۲۸ نسبت همسر
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد او باشد